

ویژگیهای اجتماعی آموزش بزرگسالان

ابراهیم هاشملو

مقدمه

آموزش بزرگسالان از جهات مختلف با آموزش کودکان متفاوت است. بطور کلی عناصر مختلف از قبیل: هدف، برنامه، روش، محتوی و مواد، زمان و مکان، معلم (مدرس) در هر گونه آموزشی تأثیر می‌گذارد و سبب افزایش یا نقصان کمیت و کیفیت آن می‌شود. هر یک از عناصر نامبرده در آموزش بزرگسالان، به شکلی متفاوت با آموزش کودکان، متجلی می‌شود و در اکثر موارد نحوه ارائه، نوع و مشخصات آنها با آموزش کودکان متفاوت است. بطور خلاصه به برخی از موارد اختلاف آموزش بزرگسالان با آموزش کودکان اشاره می‌کنیم:

بطور کلی در آموزش کودکان هدفهای بلند مدت و میان مدت از اهمیت بیشتری برخوردار است چراکه اطلاعات و معلومات، دانش و مهارت‌های مختلف به این امید به کودکان آموزش داده می‌شود که پس از فراغت از تحصیل و به دست آوردن شغل و حرفه مناسب، به شکلی مفید از آنها بهره برداری کنند حال آنکه اکثر هدفهای آموزش بزرگسالان از نوع کوتاه مدت بوده و بزرگسالان علاقمندند که آنچه می‌آموزند با نیازهای روزمره‌شان مربوط و بلافاصله قابل بهره برداری باشد. همچنین چون بزرگسالان در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند مثلاً، مسؤول اداره خانواده‌ای هستند، شغل و حرفه‌ای خاص دارند، در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه خود شرکت می‌کنند و یا اینکه مسئولیتهای اقتصادی دیگر دارند، انتظار دارند اطلاعات، دانش و مهارت‌هایی که کسب می‌کنند، بلافاصله در هر یک از این موارد، مورد استفاده قرار گیرد. محتوای مطالب آموزشی برای کودکان با تأنی به آنان تعلیم داده می‌شود. اغلب کودکان سالیان متمادی آموزش می‌بینند و مطالبی که به آنها تدریس می‌شود، با توجه به دانش و معلوماتی تنظیم می‌شود که در سالهای گذشته کسب کرده‌اند.

ولی باید به بزرگسالان، به دلیل محدودیتهای زمانی که معمولاً با آن روبرو هستند و با توجه به لزوم بر آوردن فوری نیازهای آموزشی آنها، مطالب و محتوای آموزشی را به طور فشرده تدریس کرد. علاوه بر این، وجود ارتباط نزدیک میان مواد و مطالب آموزشی بزرگسالان با تجارب و نوع زندگی آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. زمان تشکیل کلاسهای آموزشی بزرگسالان، می‌بایست با اوقات فراغت و بیکاری آنان تنظیم شود و بر خلاف کودکان، زمان تشکیل کلاس، تنها بخش کوچکی از فعالیتهای روزانه بزرگسالان را تشکیل می‌دهد.

بطور کلی برای کسب آگاهی بیشتر درباره تفاوت یادگیری در کودکی و بزرگسالی، مطالعه در خصوصیات جسمانی، اجتماعی و ذهنی بزرگسالان ضروری است. علاوه بر این یافتن چگونگی ارتباط موجود بین هریک از این خصوصیات با موقعیت و شرایط یادگیری بزرگسالان اهمیت ویژه‌ای دارد. مقاله حاضر با تأکید بر خصوصیات اجتماعی بزرگسالان و نقش انگیزه در آموزش، به مطالبی در ارتباط با یادگیری، سرعت یادگیری و عوامل مؤثر در یادگیری بزرگسالان می‌پردازد.

«خصوصیات اجتماعی بزرگسالان»

یکی از بارزترین خصوصیات اجتماعی بزرگسالان که وجه تمایز آنها با کودکان است، وسعت تجربه، اطلاعات و مهارت‌هایی است که معمولاً در طول زندگی و بدون شرکت در کلاسها و برنامه‌های آموزش رسمی به دست آورده‌اند. تجارب بزرگسالان ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا حرفه‌ای دارد و در زمینه‌های مختلف است. وسعت تجربه یکی از مزایای بزرگسالان از لحاظ آمادگی برای یادگیری محسوب می‌شود. از سوی دیگر، روند فکری بزرگسالان بر اثر گذشت زمان و تجاربی که به مرور ایام کسب کرده‌اند، شکل گرفته به صورتی قاطع در آمده است. به همین دلیل تغییر آن، گاه به سختی امکانپذیر است. اگر اطلاعات و دانش جدید، با تجارب گذشته مخالف باشد، بزرگسالان به سختی می‌توانند معلومات تازه را بپذیرند و روی تجارب خود خط بطلان بکشند. برای اغلب بزرگسالان قبول این که

اشتباه می‌کنند دشوار است و نمی‌توانند معلومات جدید را، مخصوصاً اگر با معتقدات و ارزشهای مورد قبول آنان در تضاد باشد، بپذیرند. بزرگسالان معمولاً علاقمندند که آنچه می‌آموزند مفید و در رابطه نزدیک با زندگی روزمره آنها باشد. هر اندازه مواد و مطالب آموزشی به مهارت‌هایی که آنها انتظار آموختن را دارند نزدیکتر باشد، یادگیریشان سریعتر انجام می‌شود زیرا بزرگسالان، برخلاف کودکان، نمی‌توانند آموزش را صرفاً به خاطر آموزش بپذیرند؛ باید استفاده عملی یادگیری مطالب برایشان مشخص و آشکار باشد. از سوی دیگر، اگر مطالب و مواد آموزشی جنبه مصنوعی داشته باشد، کمتر مورد پذیرش بزرگسالان قرار خواهد گرفت. یکی از ویژگیهای بزرگسالان که با وسعت مسئولیتهای آنان ارتباط مستقیم دارد، محدودیتهای زمانی و تراکم وظایف در واحد زمان است. اکثر کودکان و نوجوانان می‌توانند وقت زیادی را صرف

فعالیتهای آموزشی کنند، حال آنکه بزرگسالان معمولاً با کمبود وقت و فشارهای ناشی از تراکم وظایف و مسئولیتهای رو به رو هستند. به همین دلیل اگر فرصت و امکان انتخاب روش برای بزرگسالان موجود باشد، آنها ناچارند روش آموزش خویش را به نحوی انتخاب کنند که میزان رضایتشان را بالا ببرد یا درجه نارضاایتیشان را تقلیل دهد.

تفاوت نیازهای اجتماعی بزرگسالان با کودکان عامل دیگری است که باید به آن توجه کرد. به طور کلی، همه افراد بشر به بر آوردن انواع نیازهای جسمانی از قبیل گرسنگی، تشنگی، خواب و غیره احتیاج دارند. ولی بزرگسالان، علاوه بر این گونه نیازها دارای مجموعه‌ای از نیازهای اجتماعی هستند از قبیل موفقیت در شغل و حرفه، داشتن موقعیت اجتماعی و اقتصادی، توفیق در انجام وظایف خویش به عنوان والدین و غیره. این گونه نیازها عوامل محرک یادگیری بزرگسالان است. از



اجتماعی نظیر تحصیل و دریافت مدرک نیز سبب بالا رفتن انگیزه آموزشی بزرگسالان می‌شود.

برنامه‌های آموزشی جلوگیری کند.

این رو، آموزش بزرگسالان متوجه هدفی در آینده نزدیک است.

«انگیزه»

باید توجه داشت که رابطه‌ای نزدیک و مستقیم بین حافظه یادگیری فرد با انگیزه او برای یادگیری وجود دارد. مردم آنچه را که به آموختنش علاقمندند، بهتر از مطالبی که به آن علاقه‌ای ندارند فراموشی می‌کنند و آسانتر می‌توانند آن را به یاد بیاورند. از این رو در برنامه‌ریزی آموزشی و همچنین جلب بزرگسالان به کلاسهای درس، باید به محرکها و انگیزه‌هایی که آنان را به یادگیری وامی‌دارد توجه خاص داشت.

نکات فوق روشن می‌کند که بزرگسالان، برخلاف کودکان، بر اساس نیازهای خاص آموزش خود به کلاس درس جلب می‌شوند. از این رو باید به احتیاجات فردی، اجتماعی و یادگیری بزرگسالان توجه ویژه‌ای مبذول داشت. اگر برنامه‌های آموزشی به نحوی تنظیم و ارائه شود که به برآوردن این گونه نیازها ارتباطی نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که بزرگسالان برای مدت طولانی در کلاسها شرکت جویند یا از برنامه‌ای خاص استفاده کنند.

یکی از مهمترین محرکهایی که بزرگسالان را به آموختن علاقمند می‌کند، ملاحظات شغلی و حرفه‌ای آنهاست. یکی از دلایل شرکت بزرگسالان، مخصوصاً افراد جوانتر، در برنامه‌های آموزشی داشتن محرکهایی مربوط به حرفه است و هدف آن، بیشتر، بهبود شرایط شغلی است. این انگیزه با محرکهایی اقتصادی بسیار نزدیک و در ارتباط است. به عبارت دیگر، بهبود موقعیت اقتصادی و بالا رفتن میزان درآمد فرد دیگری است که بسیاری از بزرگسالان را به آموختن علاقمند می‌کند.

بنابراین مشخصه دیگر آموزش بزرگسالان، که تفاوت زیادی با آموزش کودکان و نوجوانان دارد، آزادی عمل آنها در ترک تحصیل و خودداری از شرکت در کلاسهای آموزشی است.

در کلاسهای آموزش بزرگسالان مواد و مطالب مورد استفاده، مسائل و مشکلاتی که مطرح و روشهایی که انتخاب می‌شود باید حتی الامکان از نظر شرکت کنندگان مفید و با زندگی روزانه و مسائل آنها مربوط باشد.

مدرس باید در انتخاب روش تدریس به نظام تنبیه و پاداش توجه خاصی داشته باشد و احتمال برآوردن نیازهای فرد را در هریک از موقعیتهای آموزشی مد نظر قرار دهد. توجه به این نکات و رعایت آنها می‌تواند به طور مؤثری از افت تحصیلی در

یادگیری

یادگیری تنها به افزایش معلومات و تجربیات محدود نمی‌شود بلکه حقیقت سازمان دادن و تنظیم فعالیتهای ذهن نیز نوعی یادگیری محسوب می‌شود. یادگیری مترادف با گسترش فکر، مبادرت به تجربیات تازه، مرتبط ساختن آنها با تجربیات گذشته و تجدید سازمان فعالیتهای ذهنی است.^۱

در کلاسهای آموزش بزرگسالان مواد و مطالب مورد استفاده، مسائل و مشکلاتی که مطرح و روشهایی که انتخاب می‌شود باید حتی الامکان از نظر شرکت کنندگان مفید و با زندگی روزانه و مسائل آنها مربوط باشد.

در آموزش بزرگسالان مدرس به جای انتقال دانش و معلومات به ذهن افراد، باید در تغییر رفتار آنان کوشا باشد. زیرا در غیر اینصورت نمی‌توان اطمینان داشت که

۱- احمد قاسمی - آموزش بزرگسالان، مرکز پژوهش و آموزش، اردیبهشت ۱۳۵۰ صفحه ۲۶

اطلاعات و دانش جدید در عمل نیز مورد استفاده قرار گیرد. مدرس، با تکیه بر تجارب بزرگسالان و با استفاده از روشهای عملی، می‌تواند یادگیری آنها را به سوی تغییر رفتار سوق دهد، به نحوی که از اطلاعات، دانش و مهارت‌های آموخته شده به شکلی مؤثر استفاده شود. یادگیری بزرگسالان، هنگامی که تأکید زیادی بر حافظه نداشته باشد، می‌تواند به بهترین نحو انجام شود.

بزرگسالان بوسیله فعالیت‌هایی که با زندگی روزانه و تجاربشان مربوط است، بر کیفیت یادگیریشان افزوده و مطالب تازه را آسانتر فرا می‌گیرند. مدرس باید حتی‌الامکان از تکیه بر حافظه افراد خودداری کند. استفاده از حافظه تنها بدین معنی نیست که فرد مطلبی را بخواند و آن را حفظ کند، بلکه همچنین فعالیت‌های دیگری را نیز در بر می‌گیرد، از قبیل گوش دادن به سخنرانی‌های طولانی، پیگیری و دنبال کردن آموزشی که یکجا و در یک مرحله ارائه بشود، نگاه کردن به مطلبی خاص یا تماشا کردن حرکات و اعمال مدرس (در مورد آموزشهای عملی) که در آینده مجبور باشد آنها را یادداشت کند و غیره.

با توجه به نکات فوق، فعال شدن آموزش گیرنده چه کودک و چه بزرگسال، در جریان یادگیری نقش اساسی دارد، ولی باید یادآور شد که این پدیده در مورد بزرگسالان اهمیت بیشتری دارد.

«سرعت یادگیری»

اصولاً میزان یادگیری افراد متفاوت است و به تبع معیارهایی از قبیل توانایی یادگیری، سن، ارتباط یادگیری با تجارب گذشته و مانند آن تغییر می‌کند. علاوه بر این، افراد مسن معمولاً کارها را با دقت بیشتر ولی سرعت کمتری انجام می‌دهند. از این روی یکی از اصول آموزش بزرگسالان این است که به افراد برای انتخاب سرعت یادگیری خود، آزادی لازم داده شود تا بر مبنای تواناییها و خصوصیات جسمی و ذهنی خود عمل کنند و فعالیت‌های آموزشی را بر اساس مدت زمان مورد نیاز انجام

دهند. تأثیر سرعت عمل بر یادگیری، غیر قابل انکار است.

کودکان و نوجوانان به دلیل داشتن سرعت عمل بیشتر، معمولاً می‌توانند در مقایسه با بزرگسالان در یک زمان معین، تکرار و تمرین بیشتری داشته باشند. در نتیجه انتظار می‌رود که یادگیری آنها بیشتر باشد. در حالی که بزرگسالان به علت کندی عمل، به مدت زمان بیشتری احتیاج دارند تا مطلب یکسانی را بیاموزند.

البته موضوعی در یادگیری بزرگسالان حائز اهمیت است، تفاوت قابل شدن میان توانایی و کیفیت یادگیری با سرعت یادگیری است. اگر نتیجه فعالیت‌های یادگیرنده بر حسب میزان موفقیتی که در یک ساعت به دست آورده است و بدون در نظر گرفتن توانایی یادگیری او اندازه‌گیری شود، معمولاً ضعف و کمبودی در یادگیری او مشاهده می‌شود، اما اگر معیار یادگیری، کیفیت و خوبی آن باشد در آن صورت توانایی فرد به منزله قدرت یادگیری او ارزشیابی می‌شود. هنگامی که توانایی یادگیری و نه سرعت آن اندازه‌گیری شود، در آن صورت می‌توان دریافت که با بالا رفتن سن قدرت یادگیری کاهش نمی‌یابد.

بنابراین، توانایی و کیفیت یادگیری در بزرگسالان کاهش نمی‌یابد ولی سرعت یادگیری بر اثر افزایش سن کاهش می‌یابد. در امتحانات و ارزشیابی‌ها به جای اینکه توانایی و کیفیت یادگیری در بزرگسالان را اندازه‌گیری کنند، معمولاً

میزان سرعت عمل و سرعت انتقال آموخته‌های افراد را اندازه‌گیری می‌کنند.

در حالی که سرعت یادگیری به تبع شرایط سنی، نحوه عملکرد حواس و فعالیت‌های جسمی و ذهنی دیگر از قبیل سرعت عکس‌العمل، قضاوت و غیره تغییر می‌کند.

مسئله رقابت نیز موضوع دیگری است که با سرعت یادگیری رابطه مستقیم دارد. در آموزش بزرگسالان، رقابت بین دو فرد به صورتی که در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود، بی‌معنی است.

در روند آموزش بزرگسالان، موضوع رقابت به صورت درون فردی است؛ به

عبارت دیگر، رقابت هرکس با خود و بر اساس تواناییهای شخصی و شرایط آموزشی گذشته‌اش صورت می‌گیرد و نمی‌تواند به شکل رقابت بین دو فرد یا چند نفر مطرح شود. در حالیکه در آموزش کودکان رقابت بین دو فرد سرعت یادگیری است و اصل سبقت جستن از دیگران اساس کار را تشکیل می‌دهد.

«عوامل مؤثر در یادگیری بزرگسالان»

عوامل مختلفی بر یادگیری اثر می‌گذارد و پیشرفت آموزشی فرد را تسریع یا کند می‌کند، این گونه عوامل عبارتند از:

۱- اثر اولیه (برخورد اولیه):

در اصطلاح علمی، اثر اولیه به اولین برخورد شخص با محیط، شرایط و موقعیت جدید و تأثیری که هریک از آنها روی فرد می‌گذارد، اطلاق می‌شود.

بررسی‌های مختلفی که در زمینه اثر عوامل فیزیکی و عاطفی، بر یادگیری افراد انجام شده است نشان می‌دهد که معمولاً اولین تأثیر، با دوامترین تأثیر است. به عبارت دیگر اولین برخوردی که افراد با محیط و فضای آموزشی، مدرس و سایر مسئولان، هم‌کلاسیها (در یک دوره آموزشی) و غیره دارند و تأثیر اولیه‌ای که هر یک از این عوامل بر آنها می‌گذارد برای مدتی طولانی بزرگسالان را به یادگیری بیشتر و شرکت مداوم در برنامه‌های آموزشی علاقمند کند.

باید توجه داشت که رابطه‌ای نزدیک و مستقیم بین حافظه یادگیری فرد با انگیزه او برای یادگیری وجود دارد. مردم آنچه را که به آموختنش علاقمندند، بهتر از مطالبی که به آن علاقه‌ای ندارند فراموشی می‌کنند و آسانتر می‌توانند آن را به یاد بیاورند.

در دوره‌های آموزشی بزرگسالان، اولین جلسات باید به بررسی نیازها و

اهداف هر یک از شرکت کنندگان اختصاص یابد. بحث درباره اهداف و احتیاجات آموزشی بزرگسالان و همچنین انتظاراتشان از این دوره آموزشی، تا حدودی می‌تواند به تسهیل برنامه ریزی دروس و اجرای آن کمک کند.

۲- محتوی و مواد آموزشی:

محتوی و موادی که در آموزش بزرگسالان مورد استفاده قرار می‌گیرد، تأثیر زیادی در یادگیری افراد دارد. بزرگسالان، محتوی و مطالبی را که خوشایند و قانع کننده باشد و رضایت خاطرشان را فراهم کند می‌پذیرند و از قبول و یادگیری مطالبی که به نحوی موجب نارضایتی و ناراحتی آنان شود خودداری می‌کنند.

هرگاه بزرگسال، که در یک دوره آموزشی شرکت کرده است یا به شکلی از برنامه‌های آموزشی استفاده می‌کند، تصور کند که مطالب مورد علاقه خود را فراموش کرده و آنچه را که انتظار داشته می‌آموزد و از مواد و مطالبی که می‌آموزد می‌تواند به طور عملی استفاده کند، میزان و کیفیت یادگیری افزایش می‌یابد.

موضوع دیگری که در انتخاب محتوی و مواد آموزشی اهمیت دارد، توجه به تجارب بزرگسالان است. زیرا مطالبی که در آموزش افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید با تجارب آنها و همچنین با مطالب آموخته شده قبلی ارتباط منطقی داشته باشد. اهمیت و ارزشی که محتوی و مواد آموزشی برای بزرگسالان دارد و امکان استفاده عملی از آنها، سبب می‌شود که شخص، آن مطالب را سریعتر یاد بگیرد و برای مدت طولانیتری در ذهن نگاه دارد.

از این رو برای آشنا کردن بزرگسالان با اطلاعات یا مهارت‌های جدید، ابتدا باید تجربیاتشان را در آن موضوع شناسایی کرد تا مطلب یا مهارتی که تعلیم داده می‌شود، به طور اصولی و با توجه به تجارب مذکور مورد بحث قرار گیرد. به این ترتیب مدرس می‌تواند میزان اطلاعات و معلومات افراد را درباره موضوع بررسی

کند و مطالب را به نحوی ارائه دهد که به افزایش معلومات و دانش آنها کمک کند.

محتوی و مواد آموزشی، همچنین باید بر اساس خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اعضای شرکت کننده در برنامه‌ها انتخاب شود. در غیر این صورت میان مطالب و موارد آموزشی با نحوه زندگی، طرز تفکر و نیازهای افراد، هماهنگی لازم وجود نخواهد داشت. از این رو کیفیت یادگیری پایین می‌آید و کارایی آن تنزل می‌کند. مثلاً، چنانچه کتابها و مطالبی که مخصوص کارگران کارخانه‌ها تهیه شده و استفاده از آنها حتی با موفقیت کامل همراه بوده است، بدون تغییر، در دوره‌های آموزشی روستائیان مورد استفاده قرار گیرد، نتیجه مطلوبی به دست نخواهد آمد. ممکن است مطالب فنی و حرفه‌ای کتاب مذکور توجه یک کارگر را به راحتی به خود جلب کند و در نتیجه یادگیری آن به سهولت انجام شود، ولی به دلیل عدم ارتباطش با زندگی روزانه و مسائل و مشکلات یک روستائین دقت و انگیزه لازم را در او ایجاد نکند.

۳- شرایط و موقعیت یادگیری:

شرایط و موقعیت افراد هنگام آموختن دانش، اطلاعات یا مهارت‌های مختلف بر کمیت و کیفیت یادگیری‌شان تأثیر می‌گذارد. موقعیت یادگیری، شامل کلیه شرایط مادی و معنوی است که به نحوی در امر آموزش مؤثر است و باعث سهولت یا کندی آن می‌شود، از جمله:

در اصطلاح علمی، اثر اولیه به اولین برخورد شخص با محیط، شرایط و موقعیت جدید و تأثیری که هر یک از آنها روی فرد می‌گذارد، اطلاق می‌شود.

الف - شرایط فیزیکی: عوامل مادی و فیزیکی کوناگونی در امر یادگیری دخالت می‌کند و سبب افزایش یا کاهش آن می‌شود. برای مثال، شرایطی از قبیل نور، صدا، هوا، صندلی و سایر وسایل مورد

استفاده، محیط و فضای آموزشی، نحوه نشستن افراد و طرز قرار گرفتنشان در کلاس و مانند آن را می‌توان نام برد.

ب - شرایط جسمانی: مانند ناراحتی‌هایی از قبیل خستگی، گرسنگی، تشنگی، بیماری و مانند آنها، سبب کندی و اخلاص در امر یادگیری می‌شود.

ج - شرایط ذهنی و عاطفی: تمایلات و طرز تفکر بزرگسالان درباره روند آموزش خویش، در نحوه یادگیری آنها دخالت دارد. همچنین اضطراب و نگرانی‌های مختلفی که ذهن افراد را به خود مشغول می‌دارد، باعث کندی و اخلاص در جریان آموختن می‌شود.

د - موضوع مورد مطالعه و روش تدریس آن: ارتباط منطقی و نزدیکی که بزرگسالان از نظر ذهنی، فکری و تجربی با موضوع مورد مطالعه برقرار می‌کنند باعث سهولت یادگیری می‌شود. علاوه بر این، روش تدریس نیز تأثیر غیر قابل انکاری بر روند آموزشی افراد دارد. روش‌های آموزش بزرگسالان باید بر اساس شرایط و خصوصیات یادگیرنده، موضوع مورد مطالعه، هدف‌های آموزشی و مانند آن انتخاب شود.

توجه به نکات فوق، نقش مهمی را که مدرس می‌تواند در بالا بردن میزان کیفیت یادگیری و کمک به بهبود شرایط فیزیکی آموزش، موقعیت جسمی، ذهنی و عاطفی بزرگسالان و همچنین روش‌های تدریس از مسؤلیتهای عمده مدرس محسوب می‌شود.

۴- تکرار و تمرین:

به طور کلی، هنگامی که موضوع یا مهارتی خاص به میزان کافی تکرار شود، سریعتر در ذهن جایگزین می‌شود و یادآوری آن در آینده ساده‌تر است. تکرار و تمرین به ایجاد عادت در افراد می‌انجامد و به این دلیل، در جریان یادگیری اهمیت دارد. تمرین کار غلط نیز باعث عادت می‌شود. از این رو باید اطمینان حاصل کرد که شرکت کنندگان، یادگیری خود را به اصول صحیح

استوار کرده‌اند.

اگرچه تکرار و تمرین، کمک مؤثری به تسریع یادگیری فرد می‌کند ولی، در آموزش بزرگسالان باید از این عامل به طور محدود و با احتیاط استفاده شود. چنان‌که قبلاً اشاره شد بزرگسالان، بر خلاف بسیاری از کودکان و نوجوانان، وظایف و مسئولیت‌های وسیعی در زمینه‌های مختلف دارند. برای مثال، مسئولیت‌های اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و مانند آنها، از اهمیت نقش بزرگسالان به عنوان یادگیرنده و شرکت‌کننده در برنامه‌های آموزشی می‌کاهد.

زیرا بزرگسالان در درجه اول نقش والدین و عضو فعال خانواده و جامعه را به عهده دارند، شاغل و دارای مسئولیت‌های شغلی و حرفه‌ای هستند و همچنین، سهم عمده‌ای در روند اقتصادی خانواده و جامعه خود بر دوش دارند. کثرت وظایف و مسئولیت‌های مختلف و همچنین نداشتن وقت کافی، بزرگسالان را در قبول مسئولیت‌های آموزشی محدود می‌کند. از این رو بزرگسالان، بر خلاف بسیاری از کودکان، کمتر می‌توانند برای تسریع یادگیری و پیشرفت آموزشی خود از عامل تکرار و تمرین استفاده کنند.

یکی از اصول آموزش بزرگسالان این است که به افراد برای انتخاب سرعت یادگیری خود، آزادی لازم داده شود تا بر مبنای تواناییها و خصوصیات جسمی و ذهنی خود عمل کنند و فعالیت‌های آموزشی را بر اساس مدت زمان مورد نیاز انجام دهند. تأثیر سرعت عمل بر یادگیری، غیر قابل انکار است.

در این زمینه تحقیقی صورت پذیرفته که، نتایج این بررسی نشان می‌دهد که افرادی که در دوره‌های آموزشی نامنویسی کرده بودند، به دلایل زیر از شرکت در کلاسهای آن دوره امتناع

کرده‌اند. (تحقیق فوق و نتایج حاصل، مربوط به دوره‌های آموزشی بخش تعاون نبوده و بصورت کلی مطرح شده است.)

دلایل درصد
۱- مشکلات خانوادگی ۴۶
۲- مشکلات شغلی ۱۵
۳- مسافرت ۱۴
۴- عدم رضایت از برنامه‌های درسی ۱۰
۵- خستگی و بیماری ۲
در ضمن غیبت بزرگسالان از کلاسهای آموزشی، بیشتر به دلیل مسائل و مشکلات شغلی است که گاه ترک محل زندگی را نیز ایجاب می‌کند. مسئولیت‌های خانوادگی، بیماری و خستگی نیز از دلایل عمده غیبت یا ترک کامل از شرکت در برنامه‌های آموزشی افراد است. غیبت زنان از برنامه‌های مربوطه، علاوه بر علل فوق، گاه به دلیل شرایط فیزیولوژیکی (حاملگی یا زایمان) یا مخالفت شوهر یا پدرشان بوده است.

به رغم مسائل و مشکلات بزرگسالان و کثرت وظایف و مسئولیت‌هایشان، عدم تکرار و تمرین یا عدم استفاده از مهارت و دانشی که آموخته شده است، سبب می‌شود که پس از چندی آن مطالب به دست فراموشی سپرده شود. به این دلیل تکرار مطالب و دانشی که بزرگسالان به تازگی فراگرفته‌اند و استفاده از مهارت‌هایی که آموخته‌اند ارزش زیادی دارد.

۵- فعالیت بزرگسالان در یادگیری:

چنانچه بزرگسالان در جریان آموختن نقش فعالی داشته باشند، یادگیری شکل مؤثرتری پیدا می‌کند. این امر مستلزم آن است که در تدریس، استفاده از روشهای غیر فعال مثل سخنرانیهای طولانی مدرس یا حفظ کردن و تأکید زیاد بر حافظه افراد ترک شود. آموختن باید با درک مطلب همراه باشد؛ این موضوع با حفظ کردن مطالب و انباشتن حافظه از دانش و اطلاعات مختلف مغایرت دارد.

اگر هدف از یادگیری تغییر رفتار، عادت و افکار بزرگسالان باشد، عمل حفظ کردن

لزوماً به این اهداف منجر نخواهد شد. در حالی که شرکت فعالانه افراد در یادگیری و استفاده از روشهای بحث و گفتگو، حل مسئله و مانند آنها، بزرگسالان را در رسیدن به هدفهای مذکور یاری می‌دهد، زیرا اینگونه روشها سبب به جریان افتادن فکر و منطق بزرگسالان می‌شود و از رکود فکری جلوگیری می‌کند. با استفاده از روشهای فعال در یادگیری بزرگسالان، می‌توانند از تجارب خویش استفاده کنند و رفتار، عادات و افکار خود را مورد سؤال قرار دهند و به این ترتیب موجبات تغییر، اصلاح و بهبود آن را فراهم کنند.

هرگاه بزرگسال، که در یک دوره آموزشی شرکت کرده است یا به شکلی از برنامه‌های آموزشی استفاده می‌کند، تصور کند که مطالب مورد علاقه خود را فرامی‌گیرد و آنچه را که انتظار داشته می‌آموزد و از مواد و مطالبی که می‌آموزد می‌تواند به طور عملی استفاده کند، میزان و کیفیت یادگیریش افزایش می‌یابد.

موضوع دیگری که شرکت فعالان

بزرگسالان را در روند یادگیری‌شان ضروری می‌کند، رشد آنها از جنبه‌های مختلف جسمی، فکری، عاطفی و جز آن است. از این رو نمی‌توان آنها را به انسانهایی غیر فعال تبدیل و به سکوت و سکون دعوت کرد. ■

منابع:

۱- جزوه دانشگاهی روشهای آموزش

بزرگسالان - دانشگاه تبریز ۸۱

۲- روشهای سوادآموزی بزرگسالان - دکتر زهرا صابغان - مرکز نشر دانشگاهی

۳- آموزش بزرگسالان - احمد فاسر - کمیته ملی یکار با بسوادی - مرکز پژوهش و آموزش

۴- یادگیری بزرگسالان و تعلیم و تربیت در روستاها، مقالات پی در پی در آموزش بزرگسالان

- زهرا صابغان - شماره ۱ مؤسسه روشهای آموزش بزرگسالان